

بازخوانی ضرورت بازآرایی ساختار آموزش دینی در اندیشه و عمل آیت الله العظمی میلانی

«مدرسه عالی حسینی» و مرجعیت نهاد ساز



جمعی از طلاب مدرسه عالی حسینی در اردوی نیشابور
(به همراهی سیدفاضل میلانی و علی اکبر الهی خراسانی) - ۱۳۵۱



سرفصل‌هایی که از تلفیق علوم حوزوی و علوم جدید شکل گرفته بود، یک الگوی آموزشی نزدیک به مدل‌های دانشگاهی ایجاد کرد. این ترکیب شامل فقه و اصول، فلسفه، تاریخ تمدن اسلامی، تاریخ ادیان، مناظره علمی، زبان‌های خارجی و مهارت‌های ارتباطی بود. تنوع این سرفصل‌ها نشان‌دهنده گذار از آموزش تک‌بعدی به آموزش نظام‌مند و میان‌رشته‌ای است.

۲- سازمان اداری و نظام ارزیابی: طراحی نظام اداری، تشکیل پرونده تحصیلی، تعیین حضور و غیاب، اجرای امتحانات ماهانه و پایان دوره و ارتباط ساختاری آن با نظام شهریه، نشان‌دهنده ورود «عقلانیت سازمانی» به آموزش دینی است. چنین سازوکاری از نظر جامعه‌شناسی سازمان‌ها، نشانه گذار از مرحله «اقتدار سنتی» به «اقتدار بوروکراتیک» در نهاد دینی است.

۳- استقلال مالی و مدیریت پایدار: بررسی‌ها نشان می‌دهد که «مدرسه عالی حسینی» یک «پروژه تمدنی» بوده است، نه یک مرکز آموزشی ساده. آیت الله میلانی با درک این‌که تحول تنها زمانی پایدار است که در قالب نهاد بروز کند، توانست الگوی جدید

زمینه تاریخی

حوزه‌های علمیه ایران در دهه‌های منتهی به تأسیس «مدرسه عالی حسینی»، با چند چالش ساختاری مواجه بود: عدم وجود دوره‌بندی آموزشی، فقدان سازوکارهای ارزشیابی، نبود سازمان اجرایی منسجم و فقدان ارتباط میان نیازهای جهان مدرن و نظام آموزش سنتی. این کاستی‌ها یک شکاف معرفتی و سازمانی میان «سنت آموزشی» و «تحولات تمدنی» ایجاد کرده بود؛ شکافی که برای پاسخ دادن و ترمیم، به نوعی مهندسی نهادی نیاز داشت، نه صرفاً توصیه‌های فردی درباره لزوم تغییر. آیت الله میلانی - متأثر از تجربه زیسته در نجف و آشنا با نقش نهادهای آموزشی منظم - به این جمع‌بندی رسید که تحول تنها از مسیر ایجاد سازوکارهای پایدار امکان‌پذیر است. از نگاه او، تحول، صورت نهادمند سنت است، نه جایگزین آن و از همین جاست که پروژه «مدرسه عالی حسینی» معنا پیدا می‌کند.

ویژگی‌ها و هندسه ساختاری

۱- برنامه‌ریزی علمی و میان‌رشته‌ای: «مدرسه عالی حسینی» با طراحی دوره‌ای چهارساله، با

حجت الاسلام والمسلمین علی الهی خراسانی

یکی از مناقشه‌برانگیزترین مباحث در مطالعات تحول حوزه‌های علمیه، حدود و امکان‌نوسازی ساختارهای آموزشی سنتی در برابر الزامات جهان مدرن است. اکثر تلاش‌های اصلاحی در تاریخ معاصر حوزه‌های علمیه، در سطح گزاره‌های نظری، توصیه‌ها یا اصلاحات محدود محتوایی باقی مانده و کمتر توانسته‌اند به «ساختارهای پایدار» تبدیل شوند. از این منظر، تحول زمانی از سطح فردی به سطح تمدنی منتقل می‌شود که در قالب نهاد متجسد گردد. نهاد، برخلاف اصلاحات فردی، ظرفیت ماندگاری، بازتولید، تکرارپذیری و کارکرد مستقل از شخصیت مؤسس را داراست.

با چنین رویکردی، «مدرسه عالی حسینی» که در سال ۱۳۴۹ خورشیدی توسط آیت الله میلانی تأسیس شد، فراتر از یک «مدرسه»، بیانیه‌ای نهادی درباره ضرورت بازآرایی ساختار آموزش دینی بود.

